

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

نایب رئیسی

کوشان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۶

۲ شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

مالیات بر درآمد بطرز مسخره آمیزی مطابقت میسرود

بقلم آقای نرجانی زاده

(سیاست)

کفه سیاست در میان سایر کلمات بسیار بدبخت و تیره و دور واقع شده است یعنی چنان از مجرای طبعی و منتهای طبیعتی خود دور افتاده که فهم مراد اصلی از وضع آن مشکل و دشوار بنظر میآید و درست مفهوم به اف و متناقض از آن اراده میشود و کاملاً عبارت (کلمه حق براد بهای باطل) در باره آن صدق پیدا کرده است. سیاست در لغت یعنی نگاهداری کردن است و همین مناسبت بهتر است را سانس گویند سپس دائره این منی بزرگتر و وسیعتر شده بطوریکه غالباً نگاهداری گروهی از مردم را هم سیاست گفته اند.

در زمان تمدن اسلام که علوم و آثار ملل مختلفه مخصوصاً یونانیان ترجمه گردید سیاست در اصطلاح علما بوجه رفته حکمت عملی یعنی سیاست نفس با تکیه بر اتقان سیاست منزلت یافته پیر منزلت و خانه داری سیاست مدن یعنی اداره امور و هر چه ترتیب کارهای کشور اطلاق گشت و در این باره حکماء پیشین و علما اسلام کتب و رسائل گرا بهای برداشته و سخنان بسیار پرمغز و لیکو گفته اند.

چنانکه گفتارهای سقراط و افلاطون و ارسطو در باب تشکیل مدینه فاضله و آراستگ شهر و گسترده عدل و داد و اخلاق ستوده اجتماعی در دنیا مشهور و بر زبانها روان است و همچنین در کتاب کلیله و دمنه زبور بسیار دقیق از فنون کشور داری بیان شده است و مساطور در عالم اسلام چه در قرآن و احادیث و چه از بزرگان دین آثار بسیار و گفتارهای بیسوطی در این موضوع آمده است که از مجموع آنها قوانین عجیب و جاسمی تشکیل یافته است که امروز بهره بردگی از آن بنام فقه اسلامی و بختی بنام تاریخ و سیرت و قسمتی بنام اخلاق و آداب و مواظف معروف است و در این باب تا به حضرت علی ابن ابی طالب (ع) بالک اشتر نفسی و نامه حسن بصری پسرین هیدالیز شرب انزل شده اند. و بعد از شیخ ابن آثار شمر و لویسنده گان و سخنوران و دانشمندان از هر قبل و گروهی در موضوع سیاست وارد شده و داد منعی داده اند که در ایران از شمرای بیش از همه از سعفی بقه در سده ۲

و نتایج مستغرق میشود و وقتیکه بهر بیان امور قدری متوجه میشود آنگاه با کمال انفرادگی درمیپاید که اوضاع چه اندازه خراب است و این خرابی از کجا ناشی شده و میشود.

میگویند این شخص اداره مالیات بر درآمد هم حساب الامری است رئیس امر داده ارقامی را که اظهار کنندگان بنام میزان های رسمی سالانه خود تعیین کرده اند باید ده برابر شود ولی از آنجا که کار ما همیشه افراط و تفریط است و روح تفاق و جالبوسی را در اجساد ما دیده اند، کارمندان خوش خدمت برای خوش آینه رئیس ضریب ده و ارباب خود و بر حسب ذوق و اشتیاق خود چند هدی هم بالاتر میبرند یعنی دستور مقام سیاست را بنحوید بدتری انجام میدهد و در نتیجه این جدیت و غشوش خدمتورقن العاده این کارمندان است که ۳۴ ریال - ماهانه ۱۲۳۳ ریال بالا میبرد.

هدیه ای از کارشناسان امور اقتصادی معتمد که هر گاه این امور در تشویق شوند چند روزی خواهد گذشت که خزانه دولت ملو شده حتی از هدیه ای هم ابریز میگردد و در سایه این عایدی سرشار که مریاً بهزانه دولت وارد میشود حقوق کارمندان لا خواهد رفت و عموماً در ناز و لغت خواهند زیست.

از مسامانی تصور هر کس بشود استفاده میکند هدیه ای میباید و غارت میکنند هدیه ای با پیش های آهنی بر منعت ملت میگویند و مرکب شود را بفرکت در میآورند. هدیه ای باناز و تشنه آفتابی میکند و از بیت المال مردم پلانج خرچ میبرند و میرویند. مردم بهجا هم از دور نشا میکنند و با خود ایسکه ناظر این بیساکری ها و این فجایح هستند زندگی مرکب خود ادامه میدهد و کوچکترین هکس انسانی نشان نمیدهد.

درویش منشی و فکر کناره گیری و

کارهای ملک ما همه اش یازچه شد: مجلس جولانگاه باز بگمان گشته، قانون آت دست این و آن شده و ادارات بصورت مسخره درآمد است.

بینه روزی یکی از نمایندگان صحت از مالیات بر درآمد میگفت: «بر اظهار نامه ای که تنظیم کرده بودم اداره مالیات بر درآمد اعتراض کرده بود و رقم درآمد مرا بده برابر آنچه اظهار کرده بودم تصدین زده و بنام تشخص اداره بین ابلاغ کرده است» من گفتم او را حل باغراق کردم زیرا در این روزها چیزهای زیادی میکنند و اغلب مسئله کوچکی را بقدری بزرگ جلوه میدهند که شخص ناچار است اغلب مطالب را باز بدهد تا قانع گند.

درویش نما. ورقه «بیش آگهی» را بشماره ۶۵۹۵ دیدم، واقفا دود از کلاه بلند شد. اظهار کننده طبق متوجهات این ورقه رسمی درآمد خود را بیباغ - ۷۵۰۰ ریال مین کرد، بود، اداره مالیات بر درآمد هدیه ای اردو ۱۲۰۰۰ ریال تشخص داده بود.

مالیاتی را که پس از کسر معانیها با اظهار کننده تعلق میگرفت ۳۴ ریال و مبلغی را که اداره مالیات بر درآمد مطالبه کرده بود ۱۲۳۳ ریال بود یعنی مالیاتی را که این اداره تشخص داده بود ۱۶۶ - برابر مالیات اظهار کننده بود.

در این ورقه اظهار در ذرا عبارت «رئیس دهر تشخص» و مضی دیگری در ذرا عبارت و از طرف رئیس اداره مالیات بر درآمد طهران دیده میشد. قل از اینکه این اوضاع را بینم گمان کردم شاید شخصی برای شوخی یا اظهار کینه این ارقام را در ورقه چاپی دولتی نوشته و قتیکه اوضاع را دیدم ورقه را چند بار از سر تا ته خواندم بر وفق و در این اوضاع کنندگان آفرین گفتند.

واما تشخص قتیکه هم تاسا بین ارقام را بنظر میارود در در بابی از فکر

از او چنان صلحای مارا تا ابد ساخته که اصلاح اوضاع واقفیر ممکن می پندارند و از این رو بر عدل ناروا اعتراض نمیشود در مقابل تمام این احوال هیچ جنبشی بوجود نمی آید.

بدری است تا موقعی که ما اجازه فهم هر ناگسی را بر ما حاکم کنند و هر ابر بر منی را اطاعت کنیم روزگار مسامعین است و روزی روز هم بدتر میشود ولی اگر ما جزئی حس از خود نشان دهیم و اگر در مقابل تعدیات مردانه قد بلند کنیم و اگر مشت هارا گره کرده بر منفرین بنما گران و ما جراجویان بگویم لفظاً منی بسوی ترقی و مالی برداشته ایم.

این است حال ما و این است راه ما تا کی در این راه قدم برداریم!

سیاست

پایه از صفحه ۱

آیه از مشهورات و مسلمات شده‌اند که حق با قوی است، حرف حق ز دهان توپ بیرون می‌آید، در تنازع قوا نبرد زندگی باید از طبیعت پیروی کرد، پایه و اساس جهان اجتماع جنت است، جنت جذبیدن و حرکت است، صلح خمود و رگوداسه، جنت هایه ترقی است، صلح تبلی و آسایش است، و باین ترتیب شبان و لریبکران بزرگ اساس آسایش و سعادت بشری را منهدم کرده‌اند و دنیای جدید را بسوی پرنگاه عیب و هول‌انگیزی سوق می‌دهند و افرادش را عنصر جوانرا مخصوصا چنان گمراه و سرگردان ساخته‌اند که هیچگونه علم و منطق و آموزش و پرورش قادر به هدایت و راهشانی آنان به بقوت و راه راست نیست و در واقع سعی و تلاش و کوشش آموز کاران و مریبان و روانشناسان و واعظان و دانشمندان خیلی کمتر از آنچه شاید و باید مشر نباشد بود و هرچه اندیشه و فکر می‌کنند نباید چگونگی بوده بشر را بشماره سعادت و خوشبختی و اتحاد و اتفاق و برادری هدایت نمایند.

ای کاش مشررات و مفسدکده سیاست تا اینجا بود و از این مرحله عبور نمی‌کرد ولیکن غیر یک سلسله مقنن دیگری نیز دارد و در معانی مبتذل و رسواتری هم استعمال می‌شود که آن داسفان شکفت انگیز است و بیشتر بر بدبختی و پریشان روزگاری مردم افزوده است به بارت دیگر آن درخت جهنمی میوه هسای تلختر و ناگوارتری باور آورده است یعنی سیاست از آن معنای کلی و ملی و بزرگ خارج و در معانی رذیلتز و هومتز و کوچکتر و ضایع تری بکار می‌برد مثلا اگر فردی از افراد دروغی یا افتراپی یا جعلی یا تیرگی را وسیله پیشرفت مقاصد خود قرار دهد خود را سیاس می‌شمارد و بشیال خود در فن سیاست سرآمده است و البته چون این معنی مخصوص طبنه زماندار نیست بلکه قابل سایر طبقات و افراد و اصناف ممکن است بشود خطر و شرورش بسیار معضت و حشت آورد است و امروز این معنی در میان مردم شایع و ذایع و مشهور و متداول است و باین مفهوم اخیر است که اهل سفر و جاهل و کوفه بین هم خود را سیاس و سیاستمدار میدانند مثلا کسی که یکی از عوامل نامشروع از رشوه یا دزدی یا نسیب یا مقامات داخلی یا خارجی مقام و جاهی یا ثروت و مکتبی رسیده خود را سیاسی میدانند یا کسانی که بوسیله جرایم بام انتساب یا احزاب مختلف با هم هنگامی و فحاشی میکنند خود را سیاسی و این عمل خود را شاهکار جهان سیاست معرفی می‌نمایند یا اهل خاصی که بجایالی شرور راه یافته و آنجا را میدان نامشروع و نامشروع قرار داده‌اند و بهم دشنام و ناسزا می‌گویند و پنجه بروی هم می‌زنند خود را پهلوان میدان سیاست قلند می‌کنند چه بسا اشخاصی را می‌شناسیم که در فلان دوره یکی از طریق تنک آور با دست‌انداختن او را بر کرسی و کالت یا وزارت یا کار مهمی نشانده است یا فقط با هو و جار و جنجال با قدری داد و فریاد بکانون اجتماعات فاسده راه یافته است امروز آن سنخ عمل خود را از عنوان سیاست و خود را از بازیگرهای ویژه نمازان عرصه سیاست آن دوره معرفی می‌نمایند و همواره برخ مردم میکشد که مگر مع بودم در فلان موقع . . .

و همچنین کسانی هستند که خود را قهرمان سیاست چنگ می‌دانند بهلت این که در فلان موقع بوسیله جبهه و غده یا حده و عدت‌کش جسمی از هموطنان و برادران و خواهران خود را حده می‌نماید و فریاد کرده یا خانه آن‌ها را طنه حریق آتش زده‌اند و آن‌ها را در آتشخانه کوچک خود دور می‌چور ساخته‌اند و اموال آن‌ها را بشارت برده یا فرزندان و کسان آن‌ها را بکشتن داده‌است و اکنون خود را فاتح فلان منطقه یا نایب سیاست چنگ می‌شمارند کسی نیست بگویند ای پهردان و تباهاکاران این کار شما خلاف رویه جوانمردی و شجاعت و خرافات و فتنوت و غیرت و عفت است شما باید بیگانگان را از حرمیم پایه در صفحه ۶

و مردوس باید یاد کرد که عبارات گوناگون و لغت‌های مختلف اندرو هلی بسیار سودمند و نفیس گفته‌اند خلاصه در تمام این دوره‌ها از کله سیاست سوء استفاده شده تا نوبت بدوره های تازه رسیده است یعنی بعد از تسخیر تمدن جدید در اروپا که علوم سیاسی بیشتر و مست بافت و مدورسه های بزرگ برای آن ساخته شد و شب و رشاخه های متعدد پیدا کرد و با شکل گوناگون در آمد و فواین و معاهدات تجاری و اقتصادی و جنگی بین المللی با در میان گذاشت .

از آن موقع این کلمه تدریجا از معنی اصلی خود منحرف شد یعنی زمانه‌اران و کشور مداران تازه قدم در میدان کار نهادند و بتدریج از سیاست یا مترادف آن تعبیرات مختلف نمودند در وهله اول گفتند سیاست یعنی باید در حفظ و حراست منافع کشور خود کوشید بشرط اینکه منقل و مخالف حال سایر بشر باشد و در حقیقت این نظر مطابق همان معنای پاک و منزه بود که قدمتا گفته بودند سپس تفسیر کلمه سیاست در مرحله اوپنی وارد شد یعنی باید در حفظ منافع کشور خود کوشید ولو بزیان و ضرر دیگران باشد و بعد از این هم مرحله شویتر و معروفتری در آمد یعنی باید بزور حیا و تزویر و سیاسی مختلف اطمینان جیل و دیگران را از حقوق مشروع خود یعنی حق آزادی و حقوق مساوات و حق استفاده از آب و خاک معروف مسکود بنظر بدست آوردن بزرگی و برتری و سری و سروری و ثروت و صنعت برای کشور خود و در این مقام بود که کلمه سیاست را بالمره از مکان خود تعلق داده و از معنای حقیقی خود منحرف ساختند و از معنای اصلی خود بدلی بیگانه گردانیدند و راه دروغ و تذاب و حقه و فریب و خنده و هزاره سعادت رذیله و پست و خوبیهای نکوهیده و کارهای ناپسندیده را برای مردم کشودند

بطوریکه زمانه‌اران و مامورین بزرگ و وزیران و شاهان و سران کشورها در جهان که در زمان های پیشین که غالباً با اخلاق پسنندیده انفعالی و مباحثات می‌کردند و راست گویی را جزء فضایل و مفاخر خویش می‌شردند و اکنون بیباکانه دروغ می‌گویند و فریب می‌دهند حقه بازی و کلاهبرداری و کلاهگذاری و . . . میکنند و بهیچوجه شجاعت نمی‌کنند و حیا نمی‌کنند و پروالی ندارند و بدینگونه کوه شرف بشریت را خوار و بی‌قدار کرده‌اند و کالای مروت و فتوت و جوانمردی و وفا و صفات کاسه بر فاسد ساخته و متاع دروغ و دزدی و ناسردی و ناسردی را رواج داده‌اند و بازار شده و تزویر و جور و جفا را گرم و برجوش خریدار کرده‌اند اگر بگویم بیشتر آلام و اسقام و مصائب و فحایح پهری از این سیاست شوم سرچشمه گرفته راه مباله و اغراق نبوده ام زیرا اکثریت مردم مبتذل و عوام مختلف بیروین سیاست پاشیدان بزرگ عالم انسانیه شده‌اند بویژه جوانان و دانش آموزان که همواره در مغیله خود رسین به مقام آنها راه رفت زنه گانی خود و رفتار و کردار آن‌ها را سرمشق خود قرار می‌دهند و تذاب و فتنوت نقل احوال آن‌ها را از لذت سعه و زیور گننا و وسیله افتخار خویش میدانند و از این مطالب بی‌میریم با اینکه چرا معاهدات و تضمینات و قول‌ها و وعده های دولت‌ها و ملت‌ها و رجال و مردان کار در این عصر هیچکدام مورد اطمینان و اعتماد مردم نیست و تغییر و نقش و ابرام در آن‌ها بسته و منوط با تقاضای عوامل مختلف و مزاج روزگار و بش طبیعت احوال و احتیاجات اقویا می‌باشد .

صیغه‌های ایجاب و قبول و التماس و تمسید و تقوش و غطوط و حروف و مهور و مضامین و سایر مترادفات اینها هیچکدام معنی بی‌تقطعی ندارند و در جریان امور کوچکترین اثری بر آنها بازا نیشود فقط چیزیکه دلالت بر معنی میکند و ملاک و مدار تمام امور است قوت و ضعف لغتی و فنی است و باین دلیل در میان مردم جمله های

خبرهای خارجه

درجهه باختر

مبدأ حمله مارشال، و تکتیکی اینک دارای هفتاد و پنج کیلو متر عقب و تقریباً ۴ کیلومتر عرض میباشد.

اسیرانی که بدست این واحدها افتادند تاکنون بالغ بر چهل هزار نفر میباشد. پیشروی بیرونی خاور با سرعتی چشمگیری ادامه دارد. متفقین شهر اربیش که در هفده کیلومتری باختر وژل قرار دارد اشغال کردند.

در شمال و خاور این شهر پیشروی ادامه داده ولی پایداری حریف هنوز شدید است.

نیروی انگلیسی پس از چهل کیلومتر پیشرفت دیروز چنگک و ستفالی رسیده است.

لشکر ۶ ششم که بوسیله هواپیما پیاده شده بود متجاوز از سی و پنج کیلومتر پیاده پیبوده و اکنون نیز متفول پیشرفت است.

درجهه ارتش دوم آلمانها هنوز مواضع دفاعی خود را تشکیل ندادند ولی ژنرالهایی که در مناطق مختلفه همدمه دار فرماندهی هستند نیروهای خود را یک جا جمع کرده اند و در روز پیروهای انگلیسی بایک مقاومت روز افزونی مصافح گردیده اند.

هدفهای ارتش سرخ

ارتشهای شوروی که جلو دار ایشان در خاک ارتش کالو را یافته اند درجهه بطول ۴۰۰ کیلومتر درخار و دژ هینلر منبرگ گردیده دوسیه تحت فرماندهی مارشال تولبوخین و مارشال - مالدینوسکی فاتحان بشارستان و رومانی و بخش مهمی از خاک بشارستان و بوگوسلاری از چهار سوی جبال کارپات بطرف مروهای کروآسی مواجه میباشد.

هدفهای اصلی بقرار زیر است:

۱- نیروهای مارشال مالدینوسکی که در طول گراشه شالی رود دانوب درجهه ای بطول ۶۲ کیلومتر پیش میروند. اکتسون سوی شکاف براتیسلاو بطرف وین دهیاریند.

۲- دو جنوب رود دانوب نیروهای مختلط مارشال تولبوخین و مارشال مالدینوسکی در جهت وین - نوشتاد پیش میروند.

۳- در این شهر کارخانه های مشهور سراسر شیت قرار دارد که چندین بار از طرف نیروی هوایی متفقین بمباران گردیده است.

۴- در جنوب این ناحیه واحدهای دیگر مارشال تولبوخین سوی گراز میروند.

۵- گراز یکی از شهرهای مهمی است که در کنار راه آهنی که تربت را بوین متصل میکند قرار دارد.

۶- در جنوب باختری دریاچه بالاتون جناح چپ ارتش تولبوخین سوی مرزهای شمال خاوری بوگوسلاری در مسیر راهی که از - لاگرب میگذرد و بشکاف تربت منتهی میگردد پیش میروند.

۷- بر اثر این پیشرفت ارتش سرخ خواهد توانست که با قوای متفقین در ایتالیا تماس حاصل کند.

ارتش سرخ تقریباً به هفتاد کیلومتری وین رسیده است

رسیده است

ارتش سرخ در مناطقی که برای منافع جنگی آلمان حایب اهمیت حیاتی میباشد درصده اجزاء یک تکیه گاه مهمی بر تهم و طولی تعارض کشید که از جهات شمال و خاور و جنوب این منطقه مورد فشار نیروهای شوروی قرار خواهد گرفت. حمله نهایی علیه نیروهای شوروی در خاک اطریش نیروهای آلمانی که در کوههای ناتسرا واقع در جبال آلپ کنی تمرکز یافته بودند در یک جبهه پیاده و پنجاه کیلومتری بخش شده اند.

اینک احتمال میشود که مقصود از این حرکت گزاینبری همانا تصرف تمام قسمت باختری جک اسلواکی باشد.

اخبار داخله

استعفای آقای نقر زاده آقای تنی زاده از قبول نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو خودداری نموده اند.

اداره جیره بندی

اداره کل جیره بندی از اداره کل بخش تفکیک رازی مهدی وتون بریاست آن اداره انتخاب شدند.

رؤسای قسمتهای اقتصادی

آقای عبدالحسن بهیاری ریاست اداره کل خرید

آقای محمد نجم آبادی بریاست اداره حقوقی و مطابقات امدادی.

آقای جلال شادمان بریاست مسئول دفتر و ترکر کار گزیبیا.

آقای عبدالباقر شامعی بریاست اداره ترکر حسابها منصوب شدند.

روسای سازمان اقتصادی

این آقایان از طرف هیئت مدیره سازمان اقتصادی دولت بکندت ادارات اقتصادی شهرستانها تعیین و احکام آنها تلگرافاً ابلاغ شده است.

آقای بزرگر بریاست سازمان اقتصادی مشهد آقای نور بخش بریاست سازمان اقتصادی اصفهان آقای فرزاد بریاست سازمان اقتصادی کرمان آقای مشیری بریاست سازمان اقتصادی هراز آقای غایت بریاست سازمان اقتصادی شاهرود آقای سالور بریاست سازمان اقتصادی زنجان آقای کوهپای بریاست سازمان اقتصادی گلپایگان آقای صدیقی بریاست سازمان اقتصادی بزد آقای حاجب دولو بریاست سازمان اقتصادی بروجرد آقای محمود صالحی بریاست سازمان اقتصادی کرمانشاه آقای مهدی صادقی بریاست سازمان اقتصادی مدان آقای زد کش بریاست سازمان اقتصادی قزوین آقای بیانی بریاست سازمان اقتصادی بوشهر.

عزت بخت با ذربایجان

آقای محمد علی آقاولی از طرف هیئت مدیره اقتصادی ماور شدند که به استان ۳ و ۴ رفته تشکیلات اقتصادی آنجا را بدهد.

تلگراف های راوده

از دیواندره

آقای مظفر حبیبی تلگراف مفسلی مخابره نموده براظهار آقای علی هه و بسی که خود را رئیس طایفه تیلکوهی معرفی نموده و تحت این عنوان تلگرافاتی بر کر مخابره کرده متعز میباشند.

آقای مظفر حبیبی بر سر مرحوم علیهاج حبیبی اظهار میباشند که طبق ابلاغهای رسمی ایشان ست ریاست طایفه تیلکوهی را دارند نه علی هه و بسی.

از دیواندره

آقای خلیل ارجمند تلگرافاً از انتشارنامه کوهستان اظهار مسرت کرده اند.

از دیواندره

آقای محمد حبیبی تلگرافاً از انتشار نامه کوهستان اظهار خوشوقتی نموده اند.

مخبرها از مهاباد می نویسند

وضعیت فعلی شهرستان مهاباد بدین قرار است:

- ۱- از مراجعت جناب آقای قاشی محمد از مرکز اهالی استقبال شایانی نموده و مشارالیه نیز هنگام ورود بیاناتی واضح به توجه مرحوم دولت نسبت به کردستان بویژه شهرستان مهاباد ایراد فرموده که مایه امیدوار اهالی گردیده
- ۲- دوایر دولتی در نهایت منظمی برقرار مشغول کار میباشد و اس رئیس دارائی و حسابداری بکندت تساموس در تبریز توقف نموده اند و فعلاً آقای علی منهدی و کبیل دارائی بوده و اهالی کمال اشتنان را از ایشان دارند
- ۳- اهالی از انتخاب اخیر وزارت فرهنگ در موضوع تعیین آقای محمد کیوان پور رئیس فرهنگ مهاباد بسیار کراخ بوده و امیدواریم که وضعیت فرهنگی خویش شود
- ۴- بهداری شهرداری از احاطه دارو و غیره رخصت بخش نیوده و انتظار داریم هیئت درک در این خصوص توجه بیشتری مبذول فرمایند.

بدریج که هدایت پیشرفت حاصل مینماید شهرومنطقه وین که در حقیقت تکیه گاه عمده جنوب آلمان میباشد اهمیت خود را از دست میدهد.

در این موقع که دوسه فقط ۶۰ کیلومتر از پایتخت اطریش فاصله دارند پارگان آن شهر خود را برای زدوخورد در کوچ و خیابانها آماده مینمایند.

نیروهای مارشال مالدینوسکی در دو طرف رود دانوب مشغول پیشرفت میباشد و تا بر این احتمال میروند جنگ مهم آینده در منطقه

شکاف براتیسلاو که اکنون واحدهای ارتش سرخ چندین فاصله می از آنجا ندارند بوقوع پیوندد.

بهش کشاورزی

مقام آقای مهندس اورچشم

انگلتی را کدکشاورزان باید توجه نماید

بات موجود زنده است که برای رشد و دو خود احتیاج مواد مغذی و محیط مناسب داشته و در دوران حیات خود مثل تمام موجودات زنده مورد حمله آفات و امراض قرار میگیرد که اگر موفق ببقا با این امراض و آفات حد زندگی را اتمام داده و الا تسلیم یستی و فنا میگردد اما تقارنی که بین با سایر موجودات دارد اینست که اولاً ششمه قادر به تهیه و مسائل زندگی خود نیست و باید مری آن که کشاورز است موزا لازم را در دسترس آن قرار دهد تا با دروخت همواره آفات و امراض شامعی بواسطه طبیعی دفاع میکند اما این دفع ضعیف است. نتواند او را کاملاً از دست برد بیعت دهد بنابراین در مورد پیه و ش نباتات و گیاه کشاورزی سنگین تر از مومنی است که بشریست. حیوانات میزدند اما این لغت با است آوردن سموم خوب و زیاد و اینست از شر فاش و امراض مستقیم و عفونت بکنای است که تعدد و مهرد کشاورزان میر کوشش با آفات آشنای دارند ولی برای یافتن آوری و تهیه غمزه شایسته شریک با هم بیورد باشد.

۱- انتخاب زیاد: زادهای مختلفه نباتات نسبت نامراض و آفات و سایر عوامل طبیعی میگردد چه حساسیت اندزه و هریک دارای صفات مختلفه ای هستند که متناظر خاصیت زیادی آنهاست مثلا گندمهای ناه - منان - گندم خار - گندم لپاچک - گندم سیاه - گندم کوسه برفدا گندم خرقان نسبت به رش زنده استقامت خوبی داشته و گندمهای فرا قیامچ و بناب گرس و ناگیور ۱۲۲ و برمه و زرنه و سرخس و ساری بوفدا و گشای پایا و گندم مقاومتشان کم و اوع امریکائی ۳۱ بیچوجه مقاومتی ندارد و همچنین گندمهای ارنا و اوتکا ۹ و روس (خوایند غلات) زیاد مقاوم بوده در صورتیکه ناگیور ۱۲۲ و قوا قیامچ خیلی کم مقاومتند و با گندم مانینا نسبت به رش کاری و کوسه بوفدا نسبت به رش سیاهک زیاد حساسند. در انواع نباتات اهم از یکساله پادامی این خاصیت زیادی تجلی یافته و برای زار وین وسیله خوبی جهت مبارزه با عوامل طبیعی فراهم میسازد مثلا در نواحی که بارانهای پاییز زود شروع میشود کشت پنبه های نوع اگریس کنیک و تریس که خیلی زود رس اند بسیار مطلوب بوده و برعکس در مناطقی که بر اثر کثرت کار و کمی جمعیت حمایت پاییزه زیاد است کاشت پنبه های هررس از قبیل گوک میتانی روسی اینند متداول خواهد بود. همچنین در نواحی که بادهای پاییزه شدید است پنبه های زیاد بولی کاراکر و ایرالی دابر زادهای امریکائی و مصری ترجیح میدهند.

در مورد درختها و نباتات چندساله خاصیت زیادی نیز از لحاظ مبارزه با آفات زیاد مورد نظر است مثلا در پشم موهای مویلی برای فیلکسرا که آفت بزرگ این نبات است محیط مساعدی است در صورتیکه موهای بومی امریکائی در اثر وضیت خاصی غشا، اپدومی ریشه مجالی برای رشد و نمو فیلکسرا نمیدهد از طرف دیگر محصول موهای بومی امریکائی خوب نیست از این نظر موهای امریکائی را بعنوان پایه انتخاب کرده در وی آن از نوع مرغوب پیوند میکنند در نتیجه نبات حامله هم به فیلکسرا مقاوم خواهد شد و هم محصول خوبی خواهد داد.

انجمن سافرانسیکو

پل اسکوت وانگین شیرنگار و بزه غیر ذراری اسکاس چنین خبر میدهد که وقایع اروپا ممکن است مانع خود از این سفره و ذبران امور خارجه سه دولت بزرگ متفق در انجمن سافرانسیکو شرکت کنند.

امروز محافل رسمی وانگین را عقیده بر آن بود که ممکن است بهین دلیل تشکیل انجمن بناخیر افتند. چنین تصور میورد که مولوتف کیسر امور خارجه شوروی بر اثر گرفتاری بودجه دولت اتحاد جماهیر شوروی نتواند بهیچوجه در انجمن سافرانسیکو شرکت کند ممکن است که دو وزیر امور خارجه دیگر هم در انجمن شرکت نمایند مگر بطور تارک و ذبران مزبور گرفتار مسائل سیاسی ای که مربوط به تقویت آلمان است میباشند و همچنین تمام توجه و هم خود را صرف بحث در روسی و پیرامون اساتمامه سازمان جدید بین المللی میباشند. از طرف دیگر متقدمه نظر پایتکه دولت شوروی قبلا پیشنهاد اصلاح منشور دیپلماتی اوکس را ندوده از این رو لازم است که پیش از آن انجمن سافرانسیکو سه دولت بزرگ متفق به مذاکرات بپردازند.

هر آینه مقور باشد که کنفرانس ۲۵ آوریل تشکیل شود - چنین نظر میرسد که لهستان نتواند در آن شرکت نماید.

میدان محصول زیاد مقاوم زیاد نیست در اثر جفتگیری با زیاد بر محصول نوع تالی وجود آورد که مقاوم باشد و هم بر محصول نالنا اگر این وسیله مقدر نیست زادهای بر محصول و با مقاومت را مخلوط با هم کاشت تا زیاد مقاوم بنزله قیسی از خوایند زیاد کم مقاومت جلوگیری نماید.

نسبت به کدام یک از امراض مقاوم و نسبت به کدام حساس است و کشت آن با امراضی که در ناحیه شایع است اصلاح یافته برای حصول نتایج فوق باید اصلاح بذور در دهات مورد توجه فرا گیرد.

بدینوسیله است اصلاح بذور سهل بسیار ساده ای بوده و مستلزم داشتن اطلاعات فنی و جایی است از این نظر تا زمانیکه کشاورزان ما اطلاعات بسیط علمی ندارند و بنیة مالی آن ها اجازه اقدام با اصلاح بذور را نمیدهد وزارت کشاورزی باید دارای پنجاه اصلاح نباتات بزرگی بوده پس از آزمایش انواع مختلفه بذور برای هر یک از آن ها شناسنامه جامعی تهیه کرده و دو اول هر سال نتیجه آزمایشها را بصورت رسامنی انتشار داده و بطور مجانی در دسترس کشاورزان قرار دهد. ضمناً سامودین مطاع از طرف وزارت کشاورزی بدعوات و کشتزارها سرکشی کرده و با در نظر گرفتن وضیت جوی و استعداد زمین و میزان آب و سایر عوامل زراعتی دستور کشت نبات لازم داده شود پنجاه اصلاح بذور کرج از چند سال پیش دست با اصلاح بذور گندم - چغندر - پنبه و آزمایشهای لازم بعمل آورده است بنابراین کشاورزان علاقمند میتوانند اطلاعات مفصلی از آن پنجاه کسب و مورد استفاده قرار دهند

تصور میورد از اینکه فوق اهدیت خاصیت زیادی تا اندازه ای روشن شده باشد بنابراین بذور و نهالی که مورد کشت قرار میگیرد قبلا باید معلوم باشد که (۱) میزان عملکردشان چطور است.

(۲) در مقایسه مقاومت این بذور نسبت به خشک و رطوبت چقدر است.

(۳) زود رس است یا دیررس.

(۴) قبلا این بذور در اراضی پر قوت کاشته میشود یا کم قوت. بذوری که در زمینهای پر قوت باید کاشته شوند در صورتی که در اراضی کم قوت کاشت شوند نقصان فاحشی در محصول پیدا خواهند شد و همچنین اگر بذور استعداد نداشته و زمین را فوق - الاماده پر قوت تسایند حاصل از حد معین تجاوز نکرده و مجاهدات زارع بجسالی نتواند رسید.

(۵) استقامت بر سرما - در نواحی که سرمای زمستان شدید است باید زادهائی را انتخاب کرد که مقاومت بیشتری بر سرما دارند مثلا گندمهای بوفدا منان و برمه و زرنه نسبت بر سرما کم استقامت و گندم سرخس نسبتاً مقاومت بیشتری دارد از این نظر در نواحی که زیاد سرد میشود باید زادهای نوع اول را انتخاب نمود.

(۶) در مورد غلات استقامت بورس غلات و برنج زود روس میکنند. در مورد غلات وقتی که مقدار ازن زمین زیاد باشد و در مورد برنج زمانی که نوسان آب در اثر زیاد زیاد خود این نباتات میباید. برای رفع این عیب باید اولاً زاده های مقاوم را انتخاب نمود تا با در صورتیکه

بنام آقای محمد مروخ (آب شاه اردستانی)

-۶-

گرد و گردستان

آقای مهندس جمال الدین مشیری در کرمشاه
معتبر نامه کوهستان می‌نویسد.

جانسب وزیر ویشکار کشتاب. دختر زردشت را حکه
(پورجست) برچیس نام داشته بزنی گرفته و برادرزاده خود را (هور)
نام برداشت داده است این مشافره یعنی زن بزنی سبب شده که
جانسب هم باو کتک نباید. مورخین متعیرند که هر دو ت مورخ.
تقریباً سدسال پس از این زردشت گردیدند آمده چه داشته که بهر دو چه
در تاریخ خود نامی از او برده است. ۲۱

اخیرا یک پوست بازه در جاهایی. بلفظ پهلوی دست آمده
که در آن چند شهری برسیل مراب. ووجه نوشته شده است.
آن اشعار هم دلان دارند بر اینکه کردها در آغاز سرایت اسلام
بهان گردستان. دارای آیین زردشت بوده‌اند. و «هورمزد» را
پرستش کرده‌اند.

در آن اشعار جمله عربی ایشاک گردستان را شرح میدهد. که قراه
و نصیبت را تا نواح «شهرزور» خراب کرده‌اند. و آن اشعار
از این قرارند.

هورمزدگان زمان آثران کزان
ویشان شاره وه گبوه گبوه کان
زور کار اوب گسردنه خابور
گسای باله هسا شاره زور
شنو و کینگان و دیل بشینا
میرد آزانلی زوری هونیا
روشت زردشتزده مالهوه بی کس
بزیکا بیکا هورمز و هوبچکس

اشعار زیاد است. فقیر هیکه چهار شعر را در نظر داشتیم
ترجمه آنها با رسی از این قرار است. «هور مزگان» یعنی
هور مزد گمان که عبارت از مسجد هاست «زمان»
یعنی خراب هدهد (آثران کزان) یعنی آنها خاموش و گشته شدند.
(ویشان شاره وه) خود را پنهان کردند «گوره گورکان» یعنی بزرگ
بزرگان. مقصود ستادید کرد است - «زور کار اوب گسردنه
خابور» عرب مستکار خابور کردند «گسای باله هسا شاره زور»
دهات شهرستان را نابشر زور - «شنو و کینگان و دیل بشینا»
زنان و دختران با سپرد رفتند - «میرد آزانلی زوری هونیا»
دلیران و رادمردان بروی خون غلطیدند - «روشت زردشتزده ما
لوه بی کس» آیین زردشت بی کس ماند - «بزیکا بیکا هورمزد
و هوبچکس» هورمزد به چکس رحم نکرد - آثار آتشکده ها
و آتشگاهها هم که در اسکان گردنشین موجود و باقی هستند.
دلالت دارند بر اینکه کرد ها آتش پرست بوده اند. بطور
کلی از علام و آثار تاریخی میتوان حکم کرد که کردها در ابتدا
هزار پرست بوده‌اند. یعنی بهادر دلبت علافتی بوده‌اند بعد آتش
پرست شده اند اخیرا قدسی عبوی شده اند سپس کرد و پارس
هر دو بالانغان بدین اسلام مشرف شده‌اند و امروزه مذهب رسمی
اگرچه مذهب حنوف اسلام است.

بطوریکه دو شماره پیش ذکر شد آخرین زردشت همان
زردشت کرد است که در زمان کشتاب در ارومیه (رضایه) ظهور
نمود فردوسی در سب او میگوید.

نهم بشت زردشت پیشین بد او
مه آباد بینسیر راستکو
که تصور کرده از نسل مه آباد است. در سوزنیگی از مه آباد تا
زمان کشتاب کرد چندین هزار سال است. یعنی چندین هزار بشت
لازم است تا زردشت اخیر باو برسد و نه بشت مورد تعداد (رجوع
به داستان النذاهب صفحه ۵) - دستر (زاکسن) که در تعقیقات مذهب
زردشت منحصص است تاریخ تولد زردشت را در نیمه دوم قرن هفتم
پیش از میلاد نوشته و فوت او را در نیمه اول قرن ششم که نزدیک بروایت
خود زردشتیا - که ظهور او را در سال ۶۶۰ نوشته اند اما در
(زیدت المعانیف) ظهور او را در سال ۶۷۸ قبل از میلاد نوشته
است.

بهر حال زردشت اخیر یعنی زردشت کرد بر مابین تاریخ-رجان
منکم صفحه ۶۷ و سایر تواریخ (مهدودی) و (موزه اسفهان) و -
(مانوت) و (فروتنی) و (ابولدهاء) و (ابن قتیبا) و (بلادی) و
(خوردابه) و غیره ... منقول ارومیه یعنی در آنجا تنوا است
که پسر پورسان. پسر گبدار. پسر آریک. پسر آگنه. پسر آریز
پسر مایره. پسر هوربان. پسر اسپهان می‌باشد.

در زمان کشتاب در سال ۶۶۰ قبل از میلاد ظهور نموده
است و کشتاب باو گروهی و مذهب او را رواج داده است و همین
رواج داده آیین زردشت سبب اختصار اسم کشتاب شده اگرچه
او بکنتر فرماندار بلخ بیشتر بوده است شاید اقدامات (نوس) گهانی
در تثبید مانی آیین زردشت نصین در اکیانان یعنی همان کنولی
برای مساکمه با اقدامات کشتاب در ترویج آیین زردشت کرده بوده
است (چنانکه به ذکر می‌گردد) - این کشتاب از نوادگان است
پسر کی لهراسب. پسر کی ارچان (ارونه شاه) پسر کی مائوش پسر
گی آبو پسر کی قباد کرد. اولین پادشاه ساسانیه کیان است.
و بطوریکه فردوسی میگوید ۳۸ پسر داشته است.

(پسر بود کشتاب را سی و هشت دلیران گوه و سواران دهت)
یکی از پسران او اسفند یاریدر بین است که اعلیجند طوایف
(ار) و بهتاری و اوامیها می‌باشد.

کشتاب در اواسط قرن هفتم پیش از میلاد ۶۶۸ ق. م.
فرماندار بلخ بوده است اصلا نام او بهشتاب است باغشام کتبه
(کی) یعنی بزرگ که اغشاص سلسله کیان دارد. (کی هشتاب)
شده. به دو نتیجه کثرت استعمال. مبدل به کشتاب شده است.
یعنی از مورخین این کشتاب را با (گرساب) آخرین
پادشاه پیشدادی که در اوایل قرن دهم پیش از میلاد در گذشته است
کرده اند بعضی هم با ویشتاب یا هشتاب پسر داروش هه‌امش
که در اوایل قرن ششم پیش از میلاد در گذشته اختیاء کرده اند.

آقای محمد صدیق حیدری

درمها باد ناپنده ما هستند کسانی که مایل به
اشتراک نامه کوهستان باشند اولعاطسوا و امرسکن
است ایشان مراجعه نمایند.

بلم آتای هرک سهراسی

پایم به راهم دان کرد

بگوامی عدم مورخین و حاور شناسان و هامای اجتماع کرد از ... عزیز و بهترین نژاد آریاست که تا بحال بر کثرین ملونین

زندگی و حوادث روزگار نتوانسته در ساحتان نژادی آن تغییراتی داده و با بصورت های گوناگونی در آورده برای این نوم مباهات همین سن که بس اهزاران کنشاش و هزاران انقلاب و خون ویزی و کوچ و در بدری و آواره گی مهذا یا دوشین و اصول با تدیر ملیت و زبان و موسم باستانی خود را حفظ نموده و یا جان و دل در نگه داری آن کوشیده اند - از حدت خوب و کردار مطلوب آن ها که مورد ستنه عدلان شده مهربان نوازی - واستگرمی - مهربانی - شجاعت - ماموس پرستی است دو بیگانه گروهي با خرد و پست از این خوی پاک رنگین سواد استفاده کرده در آرزو درج و ذلت آنان بیچوجه فرو گذار ننموده اند - دوره و حثت و اهریمنی بیست ساله که زشتکاران به پیشینه در واس امور قرار گرفته و با افسار گسیخته چهار اهل مسایه تبه کاری و جنایات میدادند اگر داد ستندیده را بر وفق مرام و میل خود لاجرده و بنامه از ارزوی رحیم عاطفه و انصابت روا نداشته از یکسر آن توان و استخوان لاغر و شوق سرخشان کاههای و نبع و با شکر مهر ساخته بر کسگره آن نشسته شادمان و غرمان با بن صحنه خون انگیز که خود موسس و بزرگوار آن بودند مگر پست - بریش همه بیخندیدند.

حق داشته زیرا يك نبرو که مانع هلبات بید آنها باشد نبود قانون طبیعت اجازه پشروی را در مقابل عدم موانع داده است - بشرطیما خودسر و متبکر آفریده شده نازم ما بیکه جاه و گودالی را پیش پای خود نبیند باز نسیاستند - لذا گناه بر گردن کسانی است که شده و نو افکار کثیف با کاران داده اند - باید قبل از اینکه میکسرهای و ذوقی تقویت گردیده و در هروق و شرمان ما راه یابند با دروها و آب لای کشنده هیکل ستم و وحشتان را از میان برده شدیدا بری سلامت و پهبودی بیمار مبارزه نمایند - وای آن روزیکه از مداوا و تیباز بیدار نوتهی نموده و احجام کار را بدها و ظلم و ستم قدر گذارند.

ما ایرانیان هم ما تقصر و گناهکاریم که اجازه نیست اینکه ما انسان رادنده و بچه کرک را برای باره کردن شکم خود تربیت مینماییم - چندان سال مردم رادر صحت فشار و شکنجه گذاشته بنام قانون پشام فروده بنام امر جهاد مطاع ما و کانه بنام فرامده بنام رئیس و بنام ... خون نموده ر جیر - چاره را میکیده و حتی اجازه آخ گفتن را خاد - زهی میفرمی و زذالت و نامردی - مردان جویب

بلم آتای مظفر اردلان

بیان حق

بوجوب امریه (یا داد و جنگ غلبه فی الارض لاحکم بین الناس بالعق ولا تتبع الهوی فیضک عن سیل الله) بر هر فرد آمری که از طرف خالق و خالق بر برستی جامعه متعجب میگردد واجب است رعایت حق و عدل را نموده و بخلاف عدالت و درستی قدسی بر نماند و ای افسوس روزی مردمانی که پای بند به بیانت نباشند این دوره پیشرفت ندارد و هر که درست باشد در جامعه طرف قبول واقع نشده و مردود و منفور است - مخصوصا در این سلطنت که کلاهی نفوی و حق پرستی مشرعی ندارد این معنی بیشتر رواج دارد که چه در افسار قدیمه هم جنس بشر طبع و حرص خود را نتوانسته مغلی و پوشیده دارند چنانچه بقهرا بر گردیم و بناریخ رجوع نمایم جنگ جبل و صغین هم روی طبع و جینه پرستی درست شده و مردمان طماع و دنیا پرست آن آشوب را فراهم نمودند مسلم است عصر حاضر که هزار وسیعه و شصت و چهار سال است از ایام سعادت دور گشته ایم پدیهی است افراد دنیا پرست و جینه دوست برای جرمی جلب منافع حاضرند هزارها جنگ جبل و صغین را تجدید نمایند .

زمانه اران امروزه اگر پیرو حضرت امیرالمؤمنین علی ع هسته باید منتظر وقایع خیلی شدیدیتر از قبل و مدین باشند و اگر پیرو معاویه بشوند و بیت المال را بجزای این افسوس شادانان و دنیا پرست تقسیم نمایند اگر بترامبیر نرسیده است در هر کاری وقتت نخواهند داشت در هر عصری از افسار حق طلب و درستکار در اقلیت و غالباً در جامعه حال معکوم بنا گردیده اند در این صورت هیئت دولت را لازم است که هر يك جماعت گردیده تا دائما اکثریت داشته و کیف پشاه سر خود را برانند گرچه ملت ایران بوجوب خواهد نارنجی هجوقوت نتوانند بیکر اجتنابی قدسی و دینتری بر دارند ولی خوب است عدلی عصر حاضر با فکر دقیق انکارشان روی هم ریختن طریق اصلاحی این سلطنت را در حال و استقبال در نظر گرفته بر عرض دولت رسانند و کشور را از این تشنج و بی تکلیفی خلاص نمایند باین که به صدق آیه وافی هدایه دنیا بیهالذین امنوا اطیبه الله و اطیبه الرسول و اولی الامر منکم از پیشگامان حضرت هادیون شادان جوان جوان بهت استنها خود بیکتر و آرا که محل مطینان ذات ما و کانه باشد به ریاست دولت معین فرمانند و هر ملت هم از دولت پشتیبانی نموده در این موقع مهم دنیا در حق ایران را از گرداب سلطت با صلح نجات برسانند و الا کلکی رفته امنیت به مخورده از بیست و پنج هشت سال قبل و شصت و ما ایرانیان بدتر خواهد شد .

بیا بر همه سیاست

محترم وطن عزیز برانید و چنانچه از داخل و دانشمندان و مجازات کتیده ای که ترو خشک را با هم بسوزاید و با پر کردن کینه و اطعانی شهوت و شهرت خود مردمان زار و ملاح و دعدان را که در کلبه خرابای خریدارند و باندک مایه مناش و کفایت زندگی ضروری اکتفا کرده اند و بقدس ترین مشاغل بشری مشغول هستند سراسر در نوح و زحمت آنها از همه بیشتر بهره و حظ و لذت آن ها از همه کثرت است آواره و در پدیر و بی خابان و مایه سوز سازید -

افسوس که در این سلطنت اکثر سیاست با بن معانی اخیر اطلاق میشود مثلا قتل بازرگان معنکر با اعلان قاض و رفوه خوار با اعلان مجلس ستم و ق دادالی با اعلان فرمانروای متبکر را سیاسی سیاستمدار میخوانند .

آری افسوس چنان با افسوس و المانه و برونک و جادو دلهای مردم تیره و چشمهها را خیره و خردهارا ناقص و اخلاق را فاسد نموده اند که هر چیزی برونک مخالف گوهر و ذات خود در انتظار جاوه گرم بشود حتی کلمات و الفاظ معانی حقیقی خود را از دست داده اند .

چنانکه دیدیم سیاست فرا آغاز کار بخشی اصلاح امور و ایجاد نظم و سعادت بود سپس زفته رفتن توده و بجز در معانی نازلری استعمال شده و در زمانهای مختلف تغییر معنی داد تا در پایان این سیر و سفر کار بجای رسید که درست در نقطه مقال معانی و افسی خود بستی افساد امور مردم بکار رفت و باین ترتیب استعمال شده در ضد و قضی در تقضی که در علم بیان او هر از فنون مجاز است انجام گرفت و فعلا سیاست و

معه بازی و شنبه و کاری و جبهه گیری و دن - باری و بسیاری از این قبل کلمات بهم تنبلی برده شده اند و برای تکلیک و تعدیده نمودن آ جا با به یکتب فرق الفقه مراجعه کرده ترجمانی زاده ۱۰۱۰۱۰۱۰

و مطیع و فرمانبر کرد و ابا آنچه تریب و وضع که حتی در زندانهای نژاد و یاسنیل سابقه نداشت میباشند . مدت سی سال تمام ما و در لشکری و کشوری بنامین مختلفه و با بر نکهای شیطانی و مافرانه که فقط آلت دست احساسات فحش آورد و بایک خود شده بودند کرد رنجیده و وظیفه شناس را محنت و اذیت داده بدون اینکه از کسی بیم و هراس داشته و یا خدا را شاهد و ناظر ندانند . - رژیم دیکتاتوری بالاخره سرانگون و بطور ظاهر ازادی قلم و بیان و عقیده بدوم ایران بیلن اعضا گردیده بلافاصله احزاب دست ها جمعیتها تشکیل روزنامه و مجلات شهاد یکسال خورشیدی منتشر و بسلفاً روزنامه نگاران بنوام این آزادی پوشالی کنگ نموده آنچه که دیده و شنیده و خوانده بودند بروی صفحات جراید آوردند و بختها اگر اکتیره روز حتی از این دور کراسی فرسوده و تو خالی هم استفاده نبرده بشد و بیش زهر فشار مسکه استیفا در المردی قرار گرفته و فرماندهان لشکر استانداریان و فرمانداران و دیگر مامورین دولتی بنظور اینکه بهتر و بکوتر نفوذ و ترویج و عظمت شود و از آنرا بکشاورزان و دوستانیان گروه نشان گردنشان نشان دانه باشند علاوه بر زندانی و غارت روزنامه و مجلات و نامه های بشی و از هر سانسور کرده یا بکندیا و قناعت از این و کن اساسی مشروطیت معرود و نوبیدشان ساختند - ما گفته تمانه مهمان نوازی و کم دومی و جیب و حیا و اطاعت اگر داد لای جان خودشان گردیده نگاران و دزدان و حیله گران و گر گانیکه پلیس میش درآمد و خود را نگهبان و مرزدار و خدمتگذار ملت نامیده اند از احلاق و رفتار ناپورده پنجاه سنی بود برده بیخایل اینکه گردها مطیع و آرام و از دنیا و ما فیهای غیروی مطلاع میدون و اعمه منتهای بیداد گیری نموده و از هر ناشایست و ناروا کوردهی نیورده - افسران و کارمندان کشوری هیچگونه ارزش و شخصیتی برای کرد قائل نبوده و بنمور بر باطل و خود مبارک و بزرگ ناز بر خود را از حیث دانش و فرهنگ و هنر و ایقانت و فضل و کمال و آداب معاشرت و زندگی است باین قوم پاک سرشت برتری داده و گمان میکردند خداوند منزلت کاب معان اخلاقی و علمی و ادبی را در فرو نشان بودیم گذاشته است -

اینان که این امتیاز برای خود قائلند اگر قدرت حکومت مرکزی از آنها سلب شود براتب از یکسر بزرگ رمانی و بجه در صفحه ۷

انتباس و ترجمه : ش. ا.

ماه غسل

-۳-

سلیا دختر زیبایی بود که زنده گی معمری داشت، روزها در اداره کار میکرد یکی از روزها در راه جوانی را دید و دلباخته او شد بدون اینکه با این جوان صحبتی بکنند یا از نام و نشان او اطلاعی داشته باشد تمام وقت خود را باغمال او میگذازید. سلیا دوستی داشت بنام دینک که از طولیت باهم بزرگ شده بودند دینک سلیا و دوست میداشتند از جریان مشق جدید سلیا با جوان ناشناس نیز مستحضر شده بود برای سرگرم نمودن سلیا او را به مهمانخانه ای دعوت کرد اتفاقاً جوان ناشناس هم در آنجا بود سلیا او را دید این جوان هم تصادفاً از دوستان دینک بود.

سلیا روزی به دیگر معرفی شده رشته دوستی بجای رسید که سلیا بفانواده زور که از طبیعت اعیان بودند معرفی شده، سلیا بقیه سرگذشت خود را این طور باز میگویی :

فردای آن روز فراوان شد زور بنزل ما آمد من هم وی را پدر و مادر خود معرفی کنم من آنروز را از اداره خود مرخصی گرفتم که شاید بتوانم منزل را قدری تمیز کنم بالاخره زور دو ساعت مقرر آمد آنشب شام را با ما صرف کرد با پدرم صحبت میکرد و از صحبتهای شیرین پدرم ما میندیدیم. چند روزی که گذشت زور از من سؤال کرد که تو از پدر و مادر من خوش آمد یا نه ؟ من گفتم آری و شما از او پرسیدم که آیا تو از پدر و مادر من غمخیز هستی؟ او کمی فکر کرد سپس گفت چرا پدر و مادر تو هم به نیستند ولی البته تو باید کمتر با آنها معاشرت کنی آخرین کلمه حرف او که شبانه پالت تعجب بیاندازی اعضای بدن مرا فرا گرفت و مرا بی اندازه از این حرف و نتیجه خاطر وسکندر سوخ گفتم زور بطور چینی چیزی ممکن است

در این موقع یکی از دوستان زور رسید و صحبت ما قطع شد چنه روز بعد زور مرا برای کنسرتی دعوت نمود و گفت صبحه والین من هم در این شب نشینی حضور دارم من گفتم بطور است که پدر و مادر مرا هم دعوت کنند او از این پیشنهاد من ناواضحی بنظر آمد و گفت سلیا تو اصلا حرف آنها را هم با من نزن شلین این کلمات بی اندازه مرا منوم و متاثر ساخت در جواب گفتم زور انجام این تمنا را غیر ممکن است بطور امکان دارد دختری چوانه بشود اجازه بدهد که از پدر و مادرش صرف نظر کند مگر تو میتوانی از پدر و مادر خود صرف نظر کنی؟ گفت البته میتوانم من میگویم از اصل پدر و مادر نداشته ام این دلمه باصراحت کامل گفتم تو میتوانی ولی از همه من بکنی خارج است و حاضر من از عشق تو چشم پوشیده ، ترا فراموش کنم.

این کلمات را در حالیکه رهنه سرایانم را گرفته بود ادا کردم و حلقه ای که بتوان یاد بود بین داده بود از دستم بیرون آورده بسویش پرتاب کردم. قلبم با هدیه هرچه تماثری طبعی گرفته بود ششم و غضب آنی عضلات بدن مرا راحت لبیک گذاشت. بالاخره با صیابیت هرچه تماثری از کافه بیرون رفتم اما زور بدنبال من می آمد و هر دم بقیبانی خود را نسبت بکلماتی که ادا کرده بود بین گوشزد می نمود اما . . .

اما حرفهای او دیگر در من اثری نداشت و هر قدر اصرار میکرد که اقل با اتومبیل او بنزل برویم من خواهش او را نپذیرفتم راه منزل پیش گرفته روانه شدم.

بنگاه تمام در منزل پدرم پسر میردم سرزنشهای گوناگون از طرف پدر و مادر خواهر و برادر من میشد آنها از ماندن من در خانه بسیار متعجب بودند و هر دم یعنی بر دل ریش من میزدند.

روزی دینک، دوست همیشگی و صمیمی من وارد شد. من مانند همیشه اصرار خود را برای او باز گفتم تا شاید راهی بیابد و مرا از گرداب اندوه و تنگنری که در آن غوطه ور بودم رهایی بدهد. دینک پس از اندک تنگنری گفت تنها راهی که من میتوانم تو را هدایت کنم این است که هرچه زودتر به مسافرت چند روزه بروی تا خاطرات گذشته را از یاد ببری. از او طلب رهنمائی کردم او مرا بیکسی از بنگاههای که در نزدیکی شهر واقع شده بود معرفی کرد.

دینک بنگاه شخصی بود تهریبیابن ۳۸ ساله، قیافه اش قدری متنگر بنظر میآمد. چند روزی در آن جا باشین نویسی اشتغال داشت.

یکروز بدون مقدمه بکنی از مستخدمین بنگاه در باب اطلاق مرا باز کرده گفت آقای جیس مدیر بنگاه شما را احضار کرده است. بلافاصله بطرف اطلاق جیس رفتم آهسته در راه باز کرده علت احضار شدن خود را پرسیدم. وی پس از احترام و ادب زیادی که هیچگاه از او ندیده بودم و متوقع چنین پذیرائی نبودم از من درخواست کرد که عصر آن روز را بالاتفاق بیکسی از مهمانخانه ها رفته شام را با هم صرف کنیم.

خواهش او مورد قبول من واقع شد و عصر باهم بطرف یکی از رستورانها روانه شدیم پس از صرف شام و کمی رقص جیس روین کرده گفت : سایا من تا حال که در این بنگاه هستم کسی را بزرنگی و مهارت تو ندیده ام و حق میتوانم اقرار کنم که زیبایی تو نیز ممکن توصیفات قبلی تو است بطوریکه بکنم معاشرت با تو شخصی را بکنم در آتش عشق میسوزاند سپس اضافه کرد : من در او ان کودکی سرچشمه حیات یعنی پدر و مادر خود را از دست دادم حتی آنقدر کوچک بودم که کوچکترین نشانه ای هم از آنها ندارم این بنگاه بزرگی را که مشاهده میکنی زاده سعی و جدیت خود من است که با زحمات زیاد آنرا بیاساخته ام.

سلیا من با چهل بیج و خنری علاقه مند شدم از روزیکه تو باین بنگاه قدم گذاری هر دم آتش عشق من نسبت بتو شعله و تریب میگردد و در چنین موقعی از تو

پیام به زاهدان کرد

بقیه از صفحه ۶

بن دانش کردستان گستر و نالایقترند. شما اهل دوستان و یاران کرد شما ای کسانی که جهانیان با نفعات ملی و آزادی و اخلاقیات اذعان و ایمان دارنده شای فرزندان کورش و داریوش - توای دهقانی که سراسر ایام سال در کشتزارها و مزارع سبز و خرم عرق ریخته و آفتاب سوزناک چهره سفید و معصوم را سپه غم ساخته - بیدار شوید برخیزید. بفرود آید سعادت کنید سو با اراده اهتین و با برادر پلنه از حانون خود دفاع کنید .

با این دیوار و محولان بی شاخ و هم مبارزه کنید و بدانید که در سرزمین اجساد بی خود حق حیات دار و در طبیعت شماست که بر غلبه فساد و خرافات و موهومات و جهل بیکار کنید ایام خللت و زور و استبداد در شهر بروم سزاوار نیست بهر کسی و نساکس سلیم شده احقاق حق را بطبیعت و چرخ گردون وا گذاریم - تا کی تا چنده خون دل خوردن و زجر و عذاب کشیدن - تا کی در سیاه چالهای خونناک و نشناک زندان خمیصین تا کی پایای خود بر سردار وقتن تا کی زور شنیدن - تا کی عذاب روسی و جسی هوار ساختن خلاصه تا کی دست بزنسو نشستن و استنداد از دیگران طلبیدن و تحمیل بی مروتی کردن - پس است شاعرا ایرانی الاصل همیشه محبت و علاقه به آب و خاک خود دارند - خوب دست اتحاد بهم داده سو گند و قا داری یاد کرده از گذشته چشم بپوشید مبین عزیز آباد سازید و در راه عظمت و استقلال ایران و اهتراز برجم سه رنگ آن حکور شده و انگدارید اجبارا بر پشت ناتوان و رنجور زنان سوار شوند تا پندارند کرد یعنی حقیقی شسوه شایسته هر نوع ترفی و سعادت و تسبیح است

انتظار دارم خوانش مرا بپذیری و دو آینه زرد بکنی با من از دواج کنی .
گفته های جیس عرق سردی بر بدن من نشانی و مرا بدر بانی فکر فرورد .

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

